

مقایسه تطبیقی روستاهای دارای دهیاری و فاقد دهیاری در روند توسعه یافتگی (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان اسلامشهر)

امیر هومن اسفندیاری

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تهمینه دانیالی^۱

استادیار گروه جغرافیا، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۲۰

چکیده

با توجه به اهمیتی که مدیریت روستایی در تحقق اهداف توسعه روستایی و نیز با در نظر داشتن اینکه دستیابی به توسعه پایدار در شرایط فعلی جهان بر اساس دانایی محوری است. نقش مدیریت در توسعه روستایی ایران حائز اهمیت بوده و این مدیریت باید بر دانایی محوری تکیه کند و بر همین اساس باید نیروهای لازم برای دانایی محوری در روستاهای کشور را فراهم کند. هدف از این تحقیق مقایسه نقش دهیاری‌های روستایی در توسعه پایدار در منطقه اسلامشهر با روش فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) بوده و محقق به ارزیابی تفاوت در روستاهای دارای دهیاری و فاقد آن با توجه به ابعاد توسعه پایدار روستایی در محدوده اسلامشهر پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که مهم‌ترین معیار در ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در تمامی روستاهای مورد مطالعه تحصیلات و تخصص نیروی انسانی فعال در بخش دهیاری‌ها در نظر گرفته شده است و عواملی چون اقتصاد، نابرابری اجتماعی، زیرساخت‌ها، عوامل فرهنگی - اجتماعی در رتبه‌های بعدی قرار می‌گیرند. همچنین از دیدگاه ساکنان این مناطق مهم‌ترین عامل مربوط به زیر معیار فقدان مهارت‌های مدیریتی به دست آمده است؛ بنابراین می‌توان گفت که مهم‌ترین عامل عدم توسعه یافتگی در مناطق مورد مطالعه فقدان مدیریت و مهارت‌های مدیریتی مناسب با مسئله دهیاری روستایی بوده که از سوی ساکنین تشخیص داده شده است.

واژگان کلیدی: دهیاری، توسعه روستایی، توسعه نیافتگی روستایی، اسلامشهر

مقدمه

مدیریت یکی از فعالیت‌های اجتماعی است که کماکان در طول تاریخ همگام بشر بوده است. نواحی روستایی طی حیات خود تحت مدیریت خاصی از شکل سنتی تا نوین اداره می‌شدند؛ اما آنچه پس از مدیریت، جوامع روستایی را در رسیدن به اهداف توسعه یاری می‌دهد، وجود دهیاری‌ها است که در دهه‌های اخیر در ادبیات توسعه جهان نمایان شده است.

بر این اساس در سال‌های اخیر، موضوع وجود دهیاری، در کانون توجه سیاست‌گذاران توسعه روستایی قرار گرفته است (Dadvar Khani et al. 2011). مهم‌ترین دلایل توجه به این مفهوم عبارت‌اند از: افزایش فشار بر حکومت‌های محلی ناشی از گسترش وظایف بدون پشتیبانی لازم از آن‌ها، ضرورت افزایش کارایی حکومت محلی، افزایش روزافزون هزینه ارائه خدمات روستایی، اعتقاد به اصل خودکفایی و خوداتکایی، فراهم کردن موجبات مشارکت مردم، ناتوانی مدل‌های سنتی مدیریتی، کاهش فاصله حکومت با مردم، مدیریت در سطح محلی، اثربخش‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریتی در توسعه، کاهش تصدی‌گری و تمرکز دولت و غیره (Azimi Amoli, 2011).

مهم‌ترین اصول، معیارها و شاخص‌های دهیاری‌ها شامل مشارکت، پاسخ‌گویی، مسئولیت‌پذیری، قانون محوری، شفافیت، کارایی و اثربخشی، عدالت و برابری و اجماع‌گرایی (توافق جمعی) می‌شود (Rahmani & Fazli, Sadeqi, & Alipoorian, 2015). این درحالی است که تأسیس دهیاری‌ها در روستاهای کشور در واقع نقطه عطفی در حکمروایی روستاییان در مدیریت روستایی است (Nasiri, 2010). بنابراین ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها در نقش سازمان‌های محلی نه تنها در سازمان‌دهی مناسب اهمیت دارد، بلکه در تحقق وظایف و حل مسائل مدیریتی روستاها نیز می‌تواند بسیار مهم باشد. مدیریت توسعه روستایی فرایندی چندجانبه است که شامل سه رکن دولت، مردم و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تهیه و اجرا می‌گردد و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد (Rezvani, 2004: 211). بنابراین، لازم است که نواحی کشور از نظر برخورداری طبقه‌بندی شده تا نسبت به میزان برخورداری یا عدم برخورداری، برنامه‌ریزی شود (Hossein Zadeh Dalir, 2014). سیاست‌های توسعه منطقه‌ای نقش مهمی را در تقویت فعالیت‌های اقتصادی و توسعه مناطق محروم و به دنبال آن، کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای ایفا می‌کند. تخصیص منطقه‌ای سرمایه‌گذاری‌های عمومی گامی در جهت کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و تحقق توسعه متعادل به شمار می‌رود (Matsumoo, 2008). همگرایی در توسعه مناطق زمانی محقق خواهد شد که مناطق محروم و کمتر توسعه‌یافته با شتاب بیشتری نسبت به سایر مناطق، رشد و توسعه یابند. در غیر این صورت، ادامه روندهای موجود با تمرکز توسعه اقتصادی در مناطق توسعه‌یافته، واگرایی و عدم تعادل ملی و منطقه‌ای را در پی خواهد داشت (Purohit, 2008). رسیدن به توسعه و اداره آن ایجاب می‌کند که نظام‌های خاصی متناسب با ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و اداری در هر جامعه به وجود آید. بر همین اساس در سیستم جدید مدیریتی کشور، مدیریت روستاها به شوراها و دهیاری‌های سپرده شده است (Hashemi et al., 2011: 97).

بر این اساس تحقیق حاضر در پی آن است که ضمن ارائه شمای کلی از تحولات ساختار مدیریت روستایی کشور، با بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها و نظریات مرتبط، ارتباط میان عناصر نظام فعلی مدیریت روستایی را مشخص نماید. از

این رو می توان با مقایسه عملکرد روستاهای اسلامشهر در قبل و بعد از حضور دهیاری ها به نقش این نهاد بیشتر پی برد و به سؤالات زیر پاسخ داد.

- آیا فعالیت دهیاری ها تأثیر مطلوبی در ابعاد مختلف توسعه نواحی روستایی مورد مطالعه داشته است.
- آیا عوامل مختلفی مانند مشخصات فردی دهیاران، آموزش دهیاران، کمبود بودجه، مشارکت روستاییان در فعالیت های مربوط به توسعه روستا و ... در موفقیت یا عدم موفقیت دهیاران در فرآیند توسعه روستایی مؤثر می باشند.

جدول ۱: برخی تحقیقات انجام شده در خصوص سنجش توسعه یافتگی در نواحی روستایی

محقق	سال	عنوان	نتایج
کریمی	۱۳۸۶	به ارزیابی عملکرد دهیاری ها در توسعه روستایی	دیگر نتایج بیانگر این است که دهیاری ها نسبت به شوراهای توسعه روستایی و میزان جلب رضایت روستاییان موفق تر بوده اند.
کوچکیان فرد	۱۳۸۶	چالش های فراروی روابط شورای اسلامی روستا و دهیاری	به بررسی سابقه بروز و ظهور دهیار و دهیاری ها در روستاهای کشور پرداخته و سپس شوراهای دهیاری ها را به لحاظ قوانین و مقررات مورد مقایسه قرار داده است
نایچی	۱۳۸۸	نقش آموزش دهیاران در توسعه روستایی	به این نتیجه رسیده است که دهیاران در زمینه آموزش مردم روستاهای با مطالعه خویش تا حدود زیادی توانسته اند نسبت به گذشته تحولاتی را در زمینه شاخص آموزش به وجود آورند.
صالحی و همکاران	۱۳۹۲	مقایسه روش های سنجش توسعه پایدار منطقه ای با استفاده از شاخص های ترکیبی در استان های ایران	استان های تهران، کهگیلویه و بویر احمد و سمنان در رتبه های اول تا سوم و استان های سیستان و بلوچستان و کردستان در رتبه های آخر از نظر حرکت به سوی پایداری قرار گرفتند.
تقوایی و صالحی	۱۳۹۲	سنجش سطوح توسعه یافتگی شهرستان های استان همدان	شهرستان همدان به عنوان برخوردارترین و شهرستان کبودرآهنگ در دو تکنیک امتیاز استاندارد شده و موریس و شهرستان فامنین در تکنیک تاکسونومی به عنوان محروم ترین شهرستان های استان می باشند.
حجت شیخی، طاهر پریزادی، بیژن ورمزیار	۱۳۹۲	بررسی و ارزیابی عملکرد دهیاران در روند مدیریت و توسعه روستایی	در بحث تخصص و مهارت دهیاران، شاخص خدماتی بالاترین و شاخص اقتصادی کمترین رتبه را اخذ نموده است.
امانپور و همکاران	۱۳۹۴	تحلیل فضایی و سنجش سطح توسعه یافتگی نواحی روستایی شهرستان های استان چهارمحال و بختیاری	نتایج نشان می دهد از لحاظ توسعه یافتگی تفاوت فاحشی بین دهستان های استان چهار محال و بختیاری وجود دارد.
مولایی و همکاران	۱۳۹۵	مقایسه تطبیقی توسعه یافتگی مناطق شهری رشت با استفاده از روش های ارزیابی چند شاخصه به بررسی توسعه یافتگی مناطق شهری رشت	نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که امکانات و خدمات بیشتر در مرکز شهر متمرکز یافته اند، از این رو نابرابری در مناطق پنج گانه با اختلاف زیاد دیده می شود.
تیرادو همکاران	۲۰۱۷	نابرابری منطقه ای و توسعه اقتصادی در اسپانیا	نتایج این تحقیق نشان دهنده افزایش نابرابری منطقه ای بین سال های ۱۸۶۰ تا ۱۹۳۰ است و بعد از آن همگرایی منطقه ای تا دهه ۱۹۸۰ شکل گرفته است و روند آن روبه افزایش بوده است.
کیو همکاران	۲۰۱۷	استفاده از تحلیل عوامل فضایی برای سنجش توسعه انسانی	نتایج این پژوهش نشان می دهد ابعاد استاندارد زندگی سهم بیشتری در توسعه در توسعه انسانی دارد. در حالی که ابعاد طول عمر سهم کمتری را در بر دارد.
دپژینسکا و همکاران	۲۰۱۷	کاربرد تاکسونومی برای مطالعه ناهماهنگی در زمینه توسعه پایدار اتحادیه اروپا	نتایج پژوهش نشان دهنده وجود سطوح بالای عدم هماهنگی در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا در زمینه توسعه پایدار است.
حسین نظم فر	۱۳۹۶	تحلیل سطوح توسعه روستایی و میزان برخورداری دهستان های استان آذربایجان غربی	نتایج تحقیق حاکی از آن است که دهستان های استان از لحاظ توسعه یافتگی در سطح توسعه محروم و بسیار محروم قرار گرفته اند.

Source: (Research findings)

پژوهش حاضر از نوع تحقیق کاربردی و از نظر روش تحقیق تحلیلی- توصیفی و به صورت مطالعه اسنادی- کتابخانه ای و میدانی است. در مرحله اول به منظور گردآوری اطلاعات و داده های مورد نیاز در این پژوهش از روش های مطالعات میدانی استفاده شده است و روش میدانی مبتنی بر پرسشنامه به روش دلفی مربوط به دهیاران روستاهای شهرستان اسلامشهر است. برای تعیین اعتبار پرسشنامه مربوط به دهیاران تعداد ۳۰ پرسشنامه

بین دهیاران روستاهای دارای دهیاری شهرستان اسلامشهر توزیع گردید. در مرحله دوم با تهیه پرسشنامه‌ای جداگانه برای وزن دهی به شاخص‌های چهارگانه مورد مطالعه در این پژوهش و توزیع آن بین متخصصان به منظور مقایسه این شاخص‌ها با همدیگر اقدام گردید و با عنایت به درجه اهمیت و اولویت‌های اختصاص یافته به شاخص‌های فوق برای بررسی نقش عملکرد دهیاران در توسعه روستاهای شهرستان اسلامشهر اقدام به به‌کارگیری از مدل ارزیابی چند معیاری (AHP) گردید.

رویکرد نظری و مفهومی

توسعه روستایی بخش مهمی از فرایند توسعه ملی به ویژه در کشورهای در حال توسعه را به خود اختصاص می‌دهد. اگر قرار است توسعه انجام گیرد و مستمر باشد باید به طور اعم از مناطق روستایی و به طور اخص از بخش کشاورزی آغاز شود. مسائل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد و بیکاری فزاینده تماماً ریشه در رکود و سیر قهقرایی زندگی اقتصادی مناطق روستایی دارد. شاید معتبرترین تصمیم در مورد فقرا این باشد که آنان به طور مناسبی در نواحی روستایی جای داد که به طور عمده به کشاورزی و فعالیت‌های وابسته به آن مشغول‌اند. هر نوع سیاستی که برای کاهش فقر و ایجاد توسعه طرح‌ریزی شود باید لزوماً تا حدی در جهت توسعه روستایی به طور اعم و بخش کشاورزی به طور اخص باشد (Jomehpoor, 2005: 56).

توسعه جوامع روستایی از مهم‌ترین دغدغه‌های ذهنی محققان کشورهای در حال توسعه بوده و از جنبه‌های مختلف بررسی شده است. از آنجا که توسعه فرایندی چند بعدی است، در برهه‌های مختلف زمانی مبتنی بر دیدگاه‌های خاص تعریف شده است (Khanni et al., 2012: 134). بانک جهانی توسعه روستایی را راهکار بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستاییان فقیرند، تعریف می‌کند. این سازوکار در پی گسترش منافع توسعه در میان فقیرترین افرادی است که در نواحی روستایی به دنبال امرار معاش‌اند. از نظر بانک جهانی، فقرای روستایی، شامل کشاورزان خرده‌پا، اجاره‌نشینان و خوش‌نشین‌ها می‌شوند (WorldBank, 1975:3).

هدف اصلی توسعه روستایی باید توانا ساختن توده‌های جمعیت روستایی باشد که اکنون نمی‌توانند با تلاش‌های خود نیازهای اساسی زندگی را برآورده سازند (Hunter, 1980: 4). همیلا نیز توسعه روستایی را چنین تعریف می‌کند: ارتقای استانداردهای زندگی توده‌های کم‌درآمد ساکن در مناطق روستایی و خودافزا کردن فرایند توسعه‌ای آنان. تأکید بر فقرای روستایی که به طور کلی شامل آن بخش از جمعیت روستایی است که حداقل نیازهای اساسی زندگی و بقایشان با حفظ عزت نفس و منزلت انسانی تأمین نشده است، قرار دادن گروه‌های اجتماعی و اقتصادی در مقابل هم نیست. بلکه تأکید بر درگیر کردن تمامی اقشار جامعه روستایی به ویژه توده محروم در فرایند تصمیم‌گیری و تعیین سرنوشت خویش است.

امروزه اهمیت توسعه روستایی و نقش حیاتی آن در توسعه و پیشبرد کشورها و به ویژه کشورهای در حال توسعه بر هیچ کس پوشیده نیست و به باور کارشناسان و دست‌اندرکاران امر، تحقق این مهم در گرو توسعه منابع انسانی است. به همین اعتبار، اولویت رشد و توسعه منابع انسانی بر سایر وجوه توسعه روستایی، امری انکارناپذیر است (Fotovati et al., 2011: 677).

به طور کلی توسعه روستایی، فرایند توسعه و مورد استفاده قرار دادن منابع طبیعی و انسانی، تکنولوژی، تسهیلات زیربنایی، نهادها و سازمان‌ها، سیاست‌های دولت و برنامه‌ها به منظور تشویق و تسریع رشد اقتصادی در مناطق روستایی جهت ایجاد اشتغال و بهبود کیفیت زندگی است. شاید هنوز تعریف مهاتما گاندی از توسعه روستایی، تنها تعریفی باشد که تمامی جنبه‌های مذکور را در خود نهفته دارد. او توسعه را به سادگی، تبدیل روستاها به مکان‌های قابل زیست و متناسب با رشد و تعالی انسانی معرفی کرد. مسلماً این تعریف عام و کلی است و اهداف خاص برنامه‌ریزی روستایی باید در سطوح مختلف و در ارتباط با جنبه‌های گوناگون اجتماع روستایی تبیین می‌شود. این اهداف قاعداً باید به تجدید سازمان فعالیت‌ها، افزایش درآمدها، گسترش رفاه، برقراری نظم و ترتیب فضایی و نهایتاً بهبود شرایط زندگی در عرصه‌های روستایی منتهی گردد (Sidayee et al., 2011: 81). با توجه به تعاریف و دیدگاه‌های مختلف، مفهوم توسعه روستایی باید دارای خصوصیات زیر باشد:

- ۱- توسعه باید تغییری در جهت بهبود شرایط برای اکثریت مردم باشد.
 - ۲- مردمی که از توسعه سود می‌برند باید بیش از مردمی باشند که از آن متضرر می‌شوند.
 - ۳- توسعه باید دست کم مردم را نسبت به تأمین حداقل نیازهای زندگی یا نیازهای ضروری زندگی مطمئن سازد.
 - ۴- توسعه باید باعث تشویق خوداتکایی شود.
 - ۵- توسعه باید با نیازهای مردم هماهنگی و مطابقت داشته باشد.
 - ۶- توسعه باید بهبود طولانی و مستمر را به ارمغان آورد.
 - ۷- توسعه نباید باعث تخریب محیط زیست طبیعی شود (Armaghan, 2008: 32).
- اهداف توسعه روستایی اساساً در چارچوب‌ها و بسترهای گوناگون و بر اساس شرایط عینی جوامع تعریف و تعیین می‌گردد. با وجود این در اینجا از دو منظر می‌توان اهداف توسعه روستایی را تبیین کرد:

الف- نظری- عملی

ب- عملی - اجرایی

اهداف توسعه روستایی از منظر نظری، قاعداً ارتقای فرهنگی- اجتماعی، اقتصادی- سیاسی و کالبدی- فضایی روستاها برای قابل زیست کردن این گونه سکونتگاه‌ها و در یک کلام، بستر ساز برای اعتلای شأن و منزلت انسان روستایی است و از منظر عملی- اجرایی، اهداف توسعه روستایی با توجه به گرایش‌های غالب سیاسی- اقتصادی و رویکردهای جاری به مقوله برنامه‌ریزی تبیین و تعیین می‌گردد (Saeedi, 2009: 11). امروزه در همه عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اجرایی، زیربنایی و ... در راستای توسعه یک سرزمین، مدیریت و اعمال روش‌های مدیریتی اجتناب‌پذیر است. در بحث توسعه روستایی نیز در تمامی سطوح آن اعم از جهانی، عملیاتی- اجرایی و راهبردی، مدیریت توسعه روستایی حائز اهمیت فراوانی است.

مدیریت فرایند به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی در برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، بسیج منابع و امکانات و هدایت و کنترل است که برای دستیابی به اهداف سازمانی و بر اساس نظام ارزشی مورد قبول صورت می‌گیرد (Rezaian, 2000: 6). در این بین اهداف توسعه روستایی باید همه جانبه و فراگیر، مداوم و مستمر باشد. به طوری که بهبود شرایط برای اکثریت مردم، اطمینان نیازهای ضروری زندگی، خوداتکایی، بهبود طولانی و مستمر، هماهنگی

با نیازهای مردم، عدم تخریب محیط زیست و مشارکت روستاییان را با خود داشته باشد (Seydaee, 2008: 112). در جهان امروز مدیریت موفق سبب توسعه و پیشرفت در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته گردیده است و علل اساسی بسیاری از شکست‌ها و ناکامی‌های کشورهای در حال توسعه را باید در عدم مدیریت صحیح منابع، امور اقتصادی و ... در این کشورها دانست. شایان ذکر است که در عرصه توسعه روستایی نیز می‌بایست ضمن توجه به مدیریت روستایی، مدیریت یکپارچه روستایی را به عنوان رویکرد اساسی مدیریت توسعه روستایی اعمال نمود.

باتوجه به ماهیت توسعه و توسعه روستایی، اجرای برنامه‌های توسعه، مستلزم کوشش‌های هماهنگ و منسجم و ترکیبی از خواستن و داشتن مهارت‌های سیاسی، اداری، فنی و اجرایی است؛ بنابراین مدیریت روستایی در واقع، در فرایند توسعه روستایی یکپارچه و پایدار نقش اساسی دارد. مدیریت روستایی در واقع فرایند سازمان‌دهی و هدایت جامعه و محیط روستایی از طریق شکل دادن به سازمان‌ها و نهادهاست. این سازمان‌های و نهادها، ابزار یا وسایل تأمین هدف‌های جامعه روستایی هستند. هدف‌هایی که مردم آن را ترسیم می‌کنند و می‌پذیرند. همچنین مدیریت توسعه روستایی فرایند چندجانبه‌ای است که شامل سه رکن مردم، دولت و نهادهای عمومی است. در این فرایند با مشارکت مردم و از طریق تشکیلات و سازمان‌های روستایی، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی تدوین و اجرا گردیده و تحت نظارت و ارزشیابی قرار می‌گیرد.

امروزه بحث توسعه روستایی و مدیریت توسعه روستایی، مفهوم مشارکت و پرداختن به مشارکت روستایی از جایگاهی ویژه در بعد نظری و نیز محلی برخوردار گردیده است. تجربه بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله کشور ما نشان می‌دهد که برنامه‌ریزی متمرکز و از بالا به پایین دستاورد مطلوبی نداشته است. هر چه سطوح مشارکت محدودتر باشد، امکان اجرایی و کارآمد شدن برنامه‌ها کاهش خواهد یافت و هزینه‌های اجرا و نظارت مرکزی افزایش یافته و آسیب‌پذیری طرح‌ها و سیاست‌ها بالا خواهد رفت. نظریه‌پردازان با آزمون نظریه‌های موجود، نظریه مشارکت را متحول کردند تا به نظریه شراکت رسیدند. طبق این دیدگاه، دولت و مردم باید دو شریک با منافع مشترک و حقوق و اختیارات مساوی در کنار یکدیگر در تمامی امور توسعه و اداره امور محلی فعالیت کنند (Matoof., 1996: 217).

در نگرش جدید توسعه، بازگشت به ویژگی متمایز تاریخی هر جامعه از یک طرف و پرهیز از القای نسخه‌های تجویزی توسعه از بالا به پایین از طرف دیگر، تأکید می‌شود که در آن هویت محلی، زیربنای مدیریت محلی و مدیریت محلی ابزار اصلی توسعه پایدار روستایی به شمار می‌روند. در واقع هویت محلی؛ مبنای اصلی محلی‌گرایی و اداره محلی امور جامعه در قالب عنوان مدیریت محلی است، واژه‌ای که در بطن آن تمرکززدایی، خودگردانی، مشارکت محلی، مشروعیت محلی، توسعه محلی و خوداتکایی محلی نهفته است. در این زمینه، توانایی فنی و داشتن چارچوب حقوقی از پیش شرط‌های اصلی تحقق عملی مدیریت محلی است (Shafi'i, 1999: 43)؛ بنابراین روشن می‌گردد که امروزه علاوه بر اینکه اعمال مدیریت و اجرای روش‌های مدیریتی در جهت به پیش بردن سازوکارهای برنامه‌های توسعه روستایی الزامی است و توجه به نهادسازی و نقش نهادها در امر توسعه روستایی که توأم با نظارت، کنترل و همراهی دولت است، بسترسازی برای برنامه‌های آموزشی، ترویج و مشارکت جوامع محلی ضروری به نظر می‌رسد، در نهایت می‌بایست به فرایند شکل دادن و ایجاد سرمایه اجتماعی به عنوان نتیجه غایی

نهادسازی و مشارکت مردمی در راستای توسعه پایدار روستایی در سطوح جهانی، ملی، منطقه‌ای و محلی توجهی ویژه داشت. روش‌های مدیریت توسعه روستایی بر حسب شرایط محیطی، منطقه‌ای و از یک سرزمین و کشور تا کشورهای دیگر متنوع و متفاوت است که در نهایت تفاوت چهره‌ها و مناظر حاصل از فرایند توسعه روستایی را به دنبال دارد (Sidayee et al., 2011: 83).

مدیریت روستایی

در توسعه پایدار روستایی، مدیریت یعنی تنظیم رابطه بین انسان با محیط خود که در آن به پیوند نظام‌های اجتماعی، اقتصادی با نظام‌های بوم شناختی توجه می‌شود (Firouznia and Eftekhari, 2003: 154). بنابراین در فرایند توسعه روستایی می‌توان مدیریت را در سه بعد اصلی اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی در نظر گرفت که هر یک از این ابعاد دارای جنبه‌های خاص خود هستند و اهداف مدیریتی در آن‌ها متفاوت است (Ronkdin Eftekhari et al., 2007: 10).

- بعد اقتصادی

در محیط روستا، هدف مدیریت اقتصادی تأمین سرمایه، تأمین تغذیه، جلوگیری از خروج سرمایه، ایجاد زمینه اشتغال، کارآفرینی، تأمین بازار برای فروش کالا و خدمات تولیدی و کنترل میزان مصرف، مدیریت عرضه و تقاضاست (Azkia and Ghaffari, 2007: 45).

- بعد اجتماعی

در بعد اجتماعی توسعه روستایی، هدف ایجاد زمینه مناسب برای توسعه انسانی است که شامل تغییر متوالی و مستمر در به دست آوردن الگوهای یک زندگی مطلوب برای کلیه افراد جامعه است (Tavassoli, 1993: 438).

- بعد زیست محیطی

چالش‌های زیست محیطی کنونی یکی از پیچیده‌ترین چالش‌هایی است که انسان تاکنون با آن مواجه گشته است. از این رو اگر چاره‌ای اندیشیده نشود، تخریب محیط زیست مسلماً با قدرت بیشتری منجر به بحران می‌گردد (حسین زاده دلیر و ساسان پور، ۱۳۸۵: ۸۴). بنابراین باید پذیرفت که اگر هدف این است که محیط مناسب برای زندگی انسان‌ها فراهم شود، لازم است اهمیت بیشتری به محیط زیست داده و از زیان‌ها و عواقب ناشی از سهل‌انگاری در این زمینه به شدت پرهیز نمود (Behzad Nasab, 2004: 94).

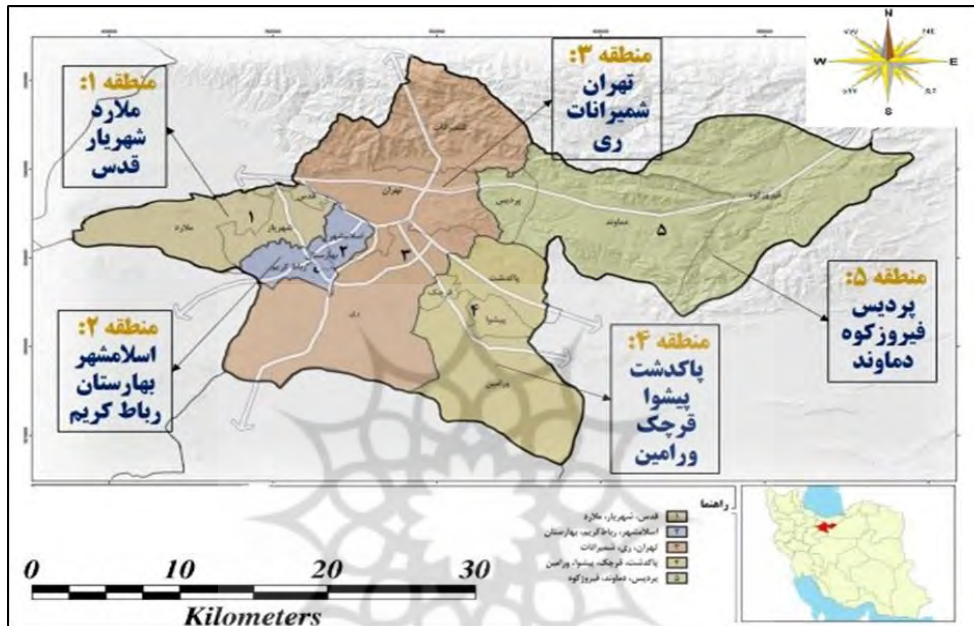
رویکردهای مشارکتی در مدیریت روستایی

مشارکت در مدیریت عبارت است از ایفای نقش از طریق اظهار نظر، ارائه پیشنهاد، تصمیم‌گیری و قبول مسئولیت در زمینه فعالیت‌های سازمان، انتخاب نوع کار، بهبود و توسعه کار و توزیع دستاوردهای به دست آمده در سیستم‌های مدیریتی که مشارکت رکن اساسی تلقی می‌شود. تحقق اهداف سازمان تنها با مشارکت ممکن است (Hosseini Abri, 2004: 19).

منطقه مورد مطالعه

شهرستان اسلامشهر با مساحت ۱۹۵ کیلومتر مربع یکی از شهرستان‌های استان تهران است. این شهرستان در جنوب شهرستان تهران قرار دارد و مرکز آن شهر اسلامشهر است. این شهرستان از شرق و جنوب به ری از غرب به

شهرستان بهارستان و از شمال غرب به شهرستان شهربار محدود است. این شهرستان در سال ۱۳۹۵، ۵۴۸٬۶۲۰ نفر جمعیت داشت. نبود برنامه‌ریزی کلان در ارتباط با این میزان از مهاجرت از طرفی موجب افزایش تراکم جمعیتی و ساختمانی شده و از سویی این شهرستان را به لحاظ سیاسی و جمعیتی و اجتماعی در جایگاه ویژه‌ای در نزدیکی کلان‌شهر تهران قرار داده است. اسلام‌شهر در سال ۱۳۷۳ از سوی وزارت کشور به عنوان یکی از شهرستان‌های تابعه استان تهران اعلام شد و دارای ۳ بخش، ۶ دهستان و ۴۹ روستا است. این شهرستان در منطقه دشت آبرفتی جنوب تهران واقع شده است.

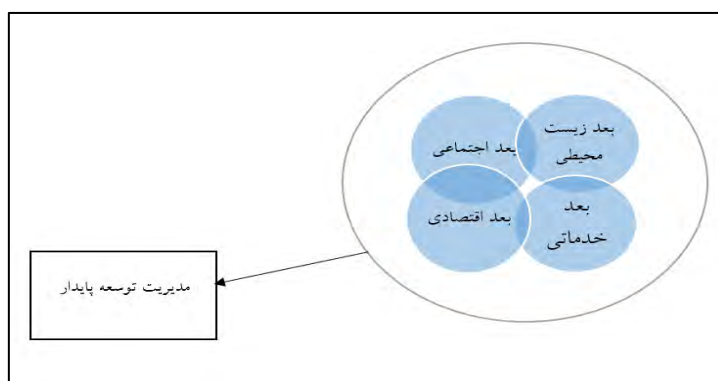


نقشه ۱: جایگاه شهر اسلامشهر در کشور، استان و شهرستان (Source: <http://mbot.ir>)

جدول ۲: ابعاد مدیریت پایدار و یکپارچه روستایی با تأکید بر کارکرد وظایف دهیاران

ابعاد	مدیریت پایدار
مدیریت محیطی	-حفاظت از منابع پایه و یکپارچگی محیطی. -مدیریت حوزه -مدیریت چشم‌اندازهای روستایی از طریق حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و میراث‌های فرهنگی. -مدیریت تغییرات کاربری اراضی -توسعه مراقبت‌های بهداشتی
مدیریت اجتماعی	-برقراری نظام‌های ارتباطی و اطلاعات دوجانبه شهری و روستایی شامل ترویج و اشاعه دانش -ظرفیت‌سازی نهادی، کنترل و نظارت در سطوح محلی -ارائه برنامه‌های مشارکتی به همراه حفظ میراث فرهنگی -مدیریت آسیب‌های اجتماعی
مدیریت اقتصادی	-افزایش کارآیی اقتصادی روستاها در چارچوب تقویت مناسبات روستا و شهر -توسعه خطوط ارتباطی و خدمات حمل و نقل -سکونتگاه‌های روستایی و شهری -توسعه قواعد و مناسبات مالی و اعتباری -تنوع‌بخشی در تولید متناسب با نیازهای بازار -ظرفیت‌سازی برای توسعه نوآوری‌ها -آموزش و برنامه‌های ویژه برای جوانان -برگزاری جلسات در سطح منطقه‌ای
بعد خدماتی	-نحوه مساعدت به ایجاد امنیت در روستا، -نظافت معابر و اماکن عمومی در روستا، -بهره‌برداری و نگهداری مناسب از تجهیزات و ماشین آلات دهیاری، -تنوع‌بخشی به فعالیت‌های روستایی.

Source: (<http://www.imo.org.ir>)



نمودار ۱: وظایف دهیاران در مدیریت پایدار روستایی

Source: (Research findings)

به منظور مقایسه توسعه یافتگی در محدوده مورد مطالعه محقق چند روستای دارای دهیاری و فاقد آن را با هم مقایسه نموده است.

روستاهای مورد مطالعه فاقد دهیاری عبارتند از:

کرک اینکچه، سیمون، مهران آباد، لهک، شاطره

روستاهای دارای دهیاری عبارتند از:

روستای ملک آباد، نظام آباد، ده عباس، علی آباد طپانچه، حسین آباد

جدول ۲: منطقه جغرافیایی روستاهای مورد مطالعه به تفکیک

روستاهای گروه اول	فرآوری	درصد فراوانی	درصد تجمعی
روستاهای گروه اول	۵۹	۱۴,۷	۱۴,۷
روستاهای گروه دوم	۸۲	۲۰,۴	۳۵,۲
روستاهای گروه سوم	۶۷	۱۶,۷	۵۱,۹
روستاهای گروه چهارم	۷۸	۱۹,۵	۷۱,۳
روستاهای گروه پنجم	۱۱۵	۲۸,۷	۱۰۰,۰
جمع	۴۰۱	۱۰۰,۰	

Source: (Research findings)

مطابق جدول (۲) که نشان دهنده آمارهای تفکیکی پرسش شوندگان در هر دو روستای مورد مقایسه است روستاهای گروه اول با درصد فراوانی (۱۴,۷٪) با تعداد ۵۹ نفر و روستاهای گروه دوم با درصد فراوانی (۲۰,۴٪) با تعداد ۸۲ نفر و روستاهای گروه سوم با درصد فراوانی (۱۶,۷٪) با تعداد ۶۷ نفر و روستاهای گروه چهارم با درصد فراوانی (۱۹,۵٪) با تعداد ۷۸ نفر و روستاهای گروه پنجم با درصد فراوانی (۲۸,۷٪) با تعداد ۱۱۵ نفر در این تحقیق به سؤالات پاسخ گفته‌اند.

جدول ۳: معیارهای اقتصادی در روستاهای مورد مطالعه

اشتغالزایی	تشویق به سرمایه‌گذاری	تبلیغات و بازاریابی	افزایش درآمد روستاییان	متوسط سطرها
۰,۶۸۱	۰,۳۵۴	۰,۸۵۰	۰,۳۲۰	۰,۵۵۱
۰,۱۳۶	۰,۰۷۱	۰,۰۱۵	۰,۲۸۰	۰,۱۲۶
۰,۰۹۷	۰,۰۶۶	۰,۱۲۱	۰,۳۶۰	۰,۲۸۶
۰,۰۸۵	۰,۰۱۰	۰,۰۱۳	۰,۰۴۰	۰,۰۳۷

Source: (Research findings)

مطابق جدول (۴) نتایج ارزیابی زیر معیارهای اقتصادی در روستاهای گروه سوم معیار اشتغال‌زایی با اولویت ۰/۵۵۱ مهم‌ترین عامل وجود دهیاری در شاخصه اقتصادی در مناطق روستایی گروه سوم به دست آمده است.

جدول ۴: معیارهای زیست‌محیطی در روستاهای مورد مطالعه

نظارت بر بهداشت و بهبود محیط روستایی	میزان آلودگی روستا	حفظ چشم‌انداز روستایی	متوسط سطرها
۰/۷۸۹	۰/۵۸۳	۰/۸۶۵	۰/۷۴۶
۰/۱۱۳	۰/۰۸۳	۰/۰۲۷	۰/۰۷۴
۰/۰۹۹	۰/۳۳۳	۰/۱۰۸	۰/۱۸۰

Source: (Research findings)

مطابق جدول (۴) نتایج ارزیابی مقایسه نقش دهیاری در معیارهای زیست‌محیطی، معیار نظارت بر بهداشت و بهبود محیط روستایی با اولویت ۰/۷۴۶ مهم‌ترین عامل در شاخصه زیست‌محیطی در مناطق روستایی گروه سوم به دست آمده است.

جدول ۵: معیارهای اجتماعی و فرهنگی در روستاهای مورد مطالعه

برنامه‌های مشارکتی به همراه حفظ میراث فرهنگی	برقراری نظام‌های ارتباطی و اطلاعات	متوسط سطرها
۰/۹۰۰	۰/۹۰۰	۰/۹۰۰
۰/۱۰۰	۰/۱۰۰	۰/۱۰۰

Source: (Research findings)

مطابق جدول (۵) نتایج ارزیابی زیر معیارهای اجتماعی و فرهنگی معیار برنامه‌های مشارکتی به همراه حفظ میراث فرهنگی با اولویت ۰/۹۰۰ مهم‌ترین عامل در شاخصه اجتماعی و فرهنگی در مناطق روستایی گروه سوم به دست آمده است.

جدول ۶: بررسی نقش دهیاری در معیارهای خدماتی روستاهای مورد مطالعه

تنوع‌بخشی به فعالیت‌های روستایی	نظافت معابر و اماکن عمومی در روستا	بهره‌برداری مناسب از تجهیزات و ماشین‌آلات دهیاری	دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی	متوسط سطرها
۰/۷۰۳	۰/۶۳۷	۰/۴۹۱	۰/۵۴۱	۰/۵۹۳
۰/۰۷۸	۰/۰۷۱	۰/۴۳۶	۰/۰۲۷	۰/۱۵۳
۰/۰۷۸	۰/۰۰۹	۰/۰۵۵	۰/۳۲۴	۰/۱۱۶
۰/۱۴۱	۰/۲۸۳	۰/۰۱۸	۰/۱۰۸	۰/۱۳۸

Source: (Research findings)

مطابق جدول (۶) نتایج ارزیابی زیر معیارهای خدماتی، معیار تنوع‌بخشی به فعالیت‌های روستایی با اولویت ۰/۵۹۳ مهم‌ترین عامل در شاخصه‌های خدماتی در مناطق روستایی گروه سوم به دست آمده است.

جدول ۷: مقایسه نقش دهیاری در معیارهای زیر ساخت روستاهای مورد مطالعه

دسترسی به آب لوله‌کشی بهداشتی	برخورداوری از شبکه برق سراسری	شبکه ارتباطات (مخابرات، پست)	برخورداوری از گاز	متوسط سطرها
۰/۴۸۰	۰/۴۱۹	۰/۲۱۴	۰/۴۸۰	۰/۳۹۸
۰/۱۶۰	۰/۱۴۰	۰/۶۴۳	۰/۰۴۰	۰/۲۴۶
۰/۲۴۰	۰/۰۲۳	۰/۱۰۷	۰/۳۶۰	۰/۱۸۳
۰/۱۲۰	۰/۴۱۹	۰/۰۳۶	۰/۱۲۰	۰/۱۷۴

Source: (Research findings)

مطابق جدول (۷) نتایج ارزیابی معیارهای زیرساخت روستا معیار دسترسی به آب لوله‌کشی بهداشتی با اولویت ۰/۳۹۸ مهم‌ترین عامل در شاخصه‌های زیرساخت روستا در مناطق روستایی گروه سوم به دست آمده است.

جدول ۸: مقایسه معیارهای و زیر معیارهای توسعه روستایی در روستاهای دارای دهیاری و فاقد دهیاری

شاخص‌های اصلی	شاخص‌های فرعی	متوسط سطرها
اقتصادی	اشتغال‌زایی	۰,۵۰۵
	تشویق به سرمایه‌گذاری	۰,۱۵۶
	تبلیغات و بازاریابی	۰,۳۰۵
	افزایش درآمد روستائیان	۰,۰۳۴
زیست‌محیطی	نظارت بر بهداشت و بهبود محیط روستایی	۰,۷۱۹
	میزان آلودگی روستا	۰,۱۱۳
	حفظ چشم‌انداز روستایی	۰,۱۶۸
اجتماعی- فرهنگی	برنامه‌های مشارکتی به همراه حفظ میراث فرهنگی	۰,۸۳۳
	برقراری نظام‌های ارتباطی و اطلاعات دوجانبه شهری و روستایی	۰,۱۶۷
	تنوع بخشی به فعالیت‌های روستایی	۰,۵۱۷
خدماتی	نظافت معابر و اماکن عمومی در روستا	۰,۱۸۰
	بهره‌برداری مناسب از تجهیزات و ماشین‌آلات دهیاری	۰,۱۱۵
	دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی	۰,۱۸۸
	دسترسی به آب لوله‌کشی بهداشتی	۰,۳۶۰
زیرساخت‌ها	برخورداوری از شبکه برق سراسری	۰,۲۴۱
	شبکه ارتباطات (مخابرات، پست)	۰,۱۶۴
	برخورداوری از گاز	۰,۲۳۵
منابع انسانی	میزان تحصیلات و تخصص نیروی انسانی فعال در دهیاری	۰,۹۰۰
	میزان پاسخگویی به نیازهای روستائیان	۰,۱۴۲

Source: (Research findings)

همان گونه که از جدول (۸) کاملاً مشخص است مهم‌ترین معیار اصلی در توسعه روستایی مرتبط با توسعه پایدار در روستاهای اسلامشهر معیار منابع انسانی و در این معیار میزان تحصیلات و تخصص نیروی انسانی فعال دهیار با اهمیت (۰/۹۰۰) و همچنین معیار اصلی اقتصادی میزان تشویق به سرمایه‌گذاری با وزن (۰/۰۳۴) کم‌اهمیت‌ترین شاخص برای نقش دهیاری‌ها در این روستاها دیده می‌شود.

تحلیل داده‌ها

جدول ۹: ارزیابی کل شاخص‌های توسعه در روستاها هر ناحیه

شاخص‌های اصلی	شاخص‌های فرعی	روستاهاى گروه اول	روستاهاى گروه دوم	روستاهاى گروه سوم	روستاهاى گروه چهارم	روستاهاى گروه پنجم
اقتصادی	اشتغال‌زایی	۰,۵۴۰	۰,۵۵۱	۰,۶۲۹	۰,۵۷۸	۰,۵۰۵
	تشویق به سرمایه‌گذاری	۰,۱۵۲	۰,۱۲۶	۰,۰۴۱	۰,۱۱۳	۰,۱۵۶
	تبلیغات و بازاریابی	۰,۲۷۲	۰,۲۸۶	۰,۲۲۲	۰,۲۶۷	۰,۳۰۵
	افزایش درآمد روستائیان	۰,۰۳۶	۰,۰۳۷	۰,۰۸۵	۰,۰۴۲	۰,۰۳۴
زیست‌محیطی	نظارت بر بهداشت و بهبود محیط روستایی	۰,۷۳۵	۰,۷۴۶	۰,۷۶۰	۰,۷۲۲	۰,۷۱۹
	میزان آلودگی روستا	۰,۰۸۹	۰,۰۷۴	۰,۰۶۸	۰,۰۷۸	۰,۱۱۳
	حفظ چشم‌انداز روستایی	۰,۱۷۶	۰,۱۸۰	۰,۱۷۲	۰,۲۰۱	۰,۱۶۸
اجتماعی- فرهنگی	برنامه‌های مشارکتی به همراه حفظ میراث فرهنگی	۰,۸۷۵	۰,۹۰۰	۰,۸۸۹	۰,۸۵۷	۰,۸۳۳
	برقراری نظام‌های ارتباطی و اطلاعات دوجانبه شهری و روستایی	۰,۱۲۵	۰,۱۰۰	۰,۱۱۱	۰,۱۴۳	۰,۱۶۷
	تنوع بخشی به فعالیت‌های روستایی	۰,۵۸۴	۰,۵۹۳	۰,۵۳۰	۰,۵۱۱	۰,۵۱۷
خدماتی	نظافت معابر	۰,۱۵۷	۰,۱۵۳	۰,۱۷۳	0.165	0.180
	بهره‌برداری از تجهیزات و ماشین‌آلات دهیاری	۰,۱۱۶	۰,۱۱۶	۰,۱۳۸	۰,۱۳۴	۰,۱۱۵
منابع انسانی	دسترسی به خدمات بهداشتی و پزشکی	۰,۱۴۳	۰,۱۳۸	۰,۱۵۹	۰,۱۹۰	۰,۱۸۸
	دسترسی به آب لوله‌کشی بهداشتی	۰,۴۶۶	۰,۳۹۸	۰,۴۲۲	۰,۶۰۷	۰,۳۶۰
	برخورداوری از شبکه برق سراسری	۰,۲۱۳	۰,۲۴۶	۰,۲۱۰	۰,۱۵۴	۰,۲۴۱
	شبکه ارتباطات (مخابرات، پست)	۰,۱۴۴	۰,۱۸۳	۰,۱۸۴	۰,۱۰۱	۰,۱۶۴
زیرساخت‌ها	برخورداوری از گاز	۰,۱۷۶	۰,۱۷۴	۰,۱۸۴	۰,۱۳۸	۰,۲۳۵
	میزان تحصیلات و تخصص نیروی انسانی فعال در دهیاری	۰,۸۸۹	۰,۸۹۷	۰,۸۸۹	۰,۹۰۰	۰,۹۰۰
	میزان پاسخگویی به نیازهای روستائیان	۰,۱۱۱	۰,۱۰۰	۰,۱۱۱	۰,۱۰۰	۰,۱۰۰

Source: (Research findings)

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

با توجه به اهمیتی که مدیریت روستایی در تحقق اهداف توسعه روستایی و نیز با در نظر داشتن اینکه دستیابی به توسعه پایدار در شرایط فعلی جهان بر اساس دانایی محوری است. نقش مدیریت در توسعه روستایی ایران حائز اهمیت بوده و این مدیریت باید بر دانایی محوری تکیه کند و بر همین اساس باید نیروهای لازم برای دانایی محوری در روستاهای کشور را فراهم کند. همان‌طور که می‌دانیم روستا در تقسیمات کشوری به عنوان کوچک‌ترین واحد زیستی شناخته می‌شود. لذا نیازمند استقرار مناسب در چرخه‌ی توسعه کشور و تشخیص هرچه بهتر و دقیق‌تر اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی پیش بینی شده در طرح‌های فرادست توسعه به خصوص طرح‌های ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی و توسعه و عمران ناحیه‌ای است. برای تحقق اهداف توسعه روستایی و دستیابی به توسعه پایدار نیازمند مدیریت محلی هستیم تا بتواند با بررسی و شناسایی مشکلات روستا بهترین راه‌حل‌های ممکن را عملیاتی نماید.

با نگاهی به سیر تحول نقش مدیریت روستایی در ایران می‌توان دریافت که در رابطه با مدیریت جوامع روستایی همواره نقش و عملکرد مدیری که منطبق با نیازها و شرایط متنوع جوامع روستایی باشد احساس می‌شده و کسانی را می‌طلبند که از جامعه روستایی بر خواسته و رهبری روستا را برعهده گیرند. نقش مدیریت روستا در دستیابی به توسعه پایدار بنا بر شرایط متنوع روستاهای ایران از گذشته تا حال دستخوش دگرگونی‌هایی بوده و معمولاً با چالش‌های فراوانی رو به رو شده است رفع این چالش‌ها و از بین بردن موانع که دستیابی به توسعه پایدار را مخدوش می‌سازد از اهم و ضروری‌ترین ابعاد نقش یک مدیر مطلوب روستایی است. توسعه یک مفهوم چندبعدی و دارای بار ارزشی است و دستیابی به توسعه پایدار با وجود مدیری که توانایی بالایی دارد و مورد وثوق روستائیان باشد امکان‌پذیر خواهد بود. دانشمندان بسیاری معتقدند توسعه از درون جامعه باید صورت گیرد طرح نظریه‌ی محور بودن انسان در فرآیند توسعه ضرورت و توجه به مناطق روستایی را که برخوردار از نیروی عظیم انسان هستند هم به عنوان هدف توسعه و هم به عنوان مهم‌ترین ابزار توسعه اهمیت می‌بخشد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که روستاها از پتانسیل‌های بالقوه بالایی برخوردارند؛ بنابراین دهیاری‌ها می‌توانند با قدرت لازم و مدیریتی مطلوب از مهاجرت‌های روستایی جلوگیری و به جذب روستائیان در روستای خود از جمله روستاهای خود از جمله روستاهای اسلامشهر مؤثر باشند. لذا در این مورد برنامه‌ریزی صحیح از سوی مدیران روستا جهت توسعه پایدار نقاط بسیار ضروری و ارزشمند است. بر این اساس تحقیق حاضر در پی آن است که ضمن ارائه شمای کلی از تحولات ساختار مدیریت روستایی کشور، با بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها و نظریات مرتبط، ارتباط میان عناصر نظام فعلی مدیریت روستایی را مشخص نماید. نتایج مطالعه نشان می‌دهد برای تحقق و عملیاتی کردن حق توسعه‌یافتگی و زندگی شرافتمندانه در چارچوب چشم انداز روستایی، لزوم توجه به سازوکارهای نهادی از جمله بازنگری در اندیشه‌ها، شیوه‌های برنامه‌ریزی، قوانین، رویه‌ها، سبک‌ها و شیوه مدیریت و حکمرانی و تأکید بر ایجاد و تقویت نهادهای بومی، محلی و مدنی از طریق خوشه‌ای و شبکه‌ای کردن آن‌ها ضرورت دارد. از این رو می‌توان با مقایسه عملکرد روستاهای اسلامشهر در قبل و بعد از حضور دهیاری‌ها به نقش این نهاد بیشتر پی برد و مشخص

نمود آیا دولت باید در صدد بهینه‌سازی این نهاد باشد یا اینکه اثرات مثبت کمتر بوده و ارزش سرمایه‌گذاری را ندارد.

مدیریت فراگیر روستایی، مدیریتی است که در آن مشارکت، تشریک مساعی، توانمندسازی، ظرفیت‌سازی و اجماع، از عناصر کانونی به شمار می‌رود تا جامعه روستایی را با توجه به تحولات جهانی و داخلی همپای سایر شهروندان برای دستیابی به حق توسعه‌یافتگی رهنمون سازد و با در پیش گرفتن رویکرد مدیریت زیست‌محیطی، اجتماعی، اقتصادی و خدماتی، تصمیم‌های لازم در مسائل روستایی را با آشنا شدن به جریان‌های توسعه اطلاعات و ارتباطات در چهارچوب مدیریت روستایی نهادینه کند.

امروزه نقش دهیاری در کمک به توسعه‌ی نواحی روستایی بر همگان آشکار شده است. وجود دهیاری روستایی یکی از ارکان توسعه در روستاهاست که هر روز بر میزان توجه و تأکید بر آن در برنامه‌ریزی‌های روستایی و منطقه‌ای افزوده می‌شود. نهاد دهیاری طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها، خدمات و تسهیلات را شامل می‌شود که هدف آن توسعه روستایی و بهینه‌سازی محیط روستا برای روستاییان در نواحی روستایی صورت می‌گیرد؛ بنابراین دهیاری به عنوان بخشی مولد در زمینه‌ی کسب درآمد و ایجاد اشتغال، در اقتصاد روستایی نقش بسزایی دارد. نتایج این پژوهش حکایت از آن دارد که در صورت وجود ساختارهای مناسب اداری و تشکیلاتی میزان موفقیت دهیاری‌ها بیشتر خواهد بود. به عبارتی اعطای کمک‌های دولتی، ارائه خدمات و حمایت‌های اداری و مالی (حداقل در آغاز راه) می‌تواند ضامن بقاء و ادامه حیات دهیاری‌ها باشد.

دهیاری در روستاهای بزرگ به مراتب موفق‌تر از روستاهای کوچک عمل کرده است. با توجه به موارد قانونی و شرایطی که برای فعالیت دهیاری‌ها در نظر گرفته شده است، می‌توان دریافت که جمعیت، ملاک تعیین‌کننده‌ای برای موفقیت دهیاری‌ها محسوب می‌شود. در شرایط کنونی و با توجه به آنکه جمعیت ملاک اصلی برای اعطای تسهیلات به دهیاری‌ها است، دهیاری در روستاهای بزرگ موفق‌تر عمل کرده‌اند. این موضوع به معنای تأیید شاخص جمعیت به عنوان ملاک اصلی در تأسیس دهیاری‌ها نیست، بلکه همان‌گونه که ذکر شد، بر اساس ضوابط موجود، جمعیت مهم‌ترین شاخص در موفقیت دهیاری‌ها تلقی می‌شود.

میزان حمایت‌های دولتی هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر میزان موفقیت دهیاری‌ها تأثیرگذار است. روستاهای فاقد دهیاری اعتبارات کمتری دریافت می‌کنند. این در حالی است که ملاک انتخاب روستاها برای ارائه آموزش‌های لازم به دهیاری‌ها نیز دسترسی و عملکرد آن‌ها در قبال روستاییان است؛ بنابراین روستاهای کوچک و فاقد دهیاری ضمن آنکه از اعتبارات کمتری برخوردارند، معمولاً آموزش‌های لازم را نیز دریافت نمی‌کنند. این موضوع ضمن آنکه ارزیابی نقش کارکردی نظام نوین مدیریت روستایی و شرایط را برای استمرار فعالیت دهیاری‌ها دشوار می‌سازد، موجب عدم رغبت دهیاران به انجام وظایف خود شده و مجموعه این عوامل ناکارآمدی دهیاری در روستاهای کوچک و یا دهیاری‌های نوپا را به دنبال خواهد داشت.

میزان توفیق دهیاری در روستاهای کوچکی که از شرایط اقتصادی بهتری برخوردارند، بیشتر است. تأثیر عامل اقتصادی در میزان موفقیت دهیاری‌ها را می‌توان به روش‌های مختلف در نظر گرفت. بدیهی است که اگر اهالی یک روستا از وضعیت اقتصادی مطلوبی برخوردار باشند، میزان خودیاری آن‌ها نیز بیشتر خواهد بود. بر این اساس دهیاری در چنین

روستایی از شرایط مطلوب‌تری برای انجام وظایف خود برخوردار است. هر جا که میزان مشارکت بیشتر باشد، میزان توفیق دهیاری‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. این موضوع می‌تواند حتی در باره روستاهای کوچک نیز مصداق داشته باشد؛ یعنی در شرایطی که میزان مشارکت در این روستاها افزایش می‌یابد، دهیاری نیز از توفیق بیشتری برای انجام وظایف خود برخوردار خواهد بود. البته این موضوع مستلزم آن است که مشارکت اهالی به دلیل تأثیرگذاری سایر عوامل کاهش پیدا نکند.

در مجموع می‌توان گفت وجود دهیاری در محدوده مورد مطالعه به عنوان یک شاخص اساسی نقش مهمی در توسعه یافتگی روستاهای منطقه بازی می‌کند. شرایط موجود برای فعالیت دهیاری‌ها کاملاً به نفع روستاهای بزرگ و به زیان روستاهای کوچک است. با توجه به یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد که لازم است تا ضمن تغییر و اصلاح قوانین موجود، شرایط اعطای خدمات و تسهیلات به دهیاری در روستاهای کوچک مورد بازنگری قرار گیرد و علاوه بر عامل جمعیت، ملاک‌های دیگری برای این موضوع در نظر گرفته شود. از این رو بهتر است به جای تعداد خانوار، شاخص‌های دیگری برای تأسیس دهیاری در روستاها در نظر گرفته شود تا همه روستاها بتوانند از خدمات موجود در قالب مدیریت نوین روستایی (دهیاری) بهره‌مند شوند. در این ارتباط می‌توان از ملاک‌هایی از جمله موقعیت مطلق و نسبی روستا (وزن مکانی)، میزان مشارکت اهالی در برنامه‌های عمرانی، وجود قابلیت‌های توریستی و گردشگری، میزان محرومیت روستا را پیشنهاد کرد.

در حال حاضر محدود بودن امکانات و تسهیلات باعث شده است تا برنامه ریزان در هر نوع فعالیتی، اولویت را به موضوع میزان پوشش جمعیتی اختصاص دهند. در خصوص دهیاری‌ها نیز تا زمانی که این تفکر حاکم است نمی‌توان امیدوار بود که تأسیس این نهاد موجب تثبیت جمعیت در نواحی روستایی شود. در زمان حاضر مجوز تأسیس دهیاری تنها برای روستاهای بزرگ صادر می‌شود و توجیه آن است که ایجاد دهیاری در روستاهای کوچک مقرون به صرفه نیست؛ اما باید توجه داشت که برنامه‌ریزی روستایی به همه روستاها نظر داشته و تنها به گروه خاصی از روستاها خلاصه نمی‌شود. با توجه به مبانی نظری این پژوهش به نظر می‌رسد که در خصوص مدیریت‌های محلی، بهره‌گیری از راهبرد سیستمی و اقتضایی، بهترین راه باشد؛ زیرا در این راهبرد، ضمن پرهیز از مطلق‌گرایی، شرایط و مقتضیات مناطق مختلف در نظر گرفته می‌شود. در ارتباط با موضوع تأسیس یا عدم تأسیس دهیاری در روستاهای کوچک نیز می‌بایست با چنین رویکردی از هر گونه مطلق‌گرایی پرهیز کرده و با تدوین قوانینی انعطاف‌پذیر شرایطی فراهم شود که برای روستاهای مختلف با توجه به مقتضیات ویژگی‌های آن‌ها تصمیم‌گیری شود.

معیار اصلی در عملکرد دهیاری مرتبط با توسعه پایدار در روستاهای گروه اول معیار منابع انسانی و در این معیار میزان تحصیلات و تخصص نیروی انسانی فعال با اهمیت (۰/۸۹۹) و همچنین معیار اصلی اقتصادی کاهش میزان درآمد روستاییان با وزن (۰/۰۳۴) کم‌اهمیت‌ترین شاخص برای نقش دهیار در این روستاها دیده می‌شود؛ و مهم‌ترین معیار اصلی در وجود دهیار در رابطه با توسعه پایدار در روستاهای گروه دوم معیار منابع فرهنگی و در این معیار برنامه‌های مشارکتی به همراه حفظ میراث فرهنگی با اهمیت (۰/۹۰۰) و همچنین دهیاری در بالا بردن درآمد روستاییان و کاهش آلودگی، کم‌اهمیت‌ترین شاخص برای توسعه در این روستاها می‌شود. مهم‌ترین معیار در نقش دهیار در روستاهای گروه سوم برای دستیابی به توسعه پایدار معیار منابع انسانی و در این معیار میزان تحصیلات و

تخصص نیروی انسانی فعال در دهیاری‌ها با اهمیت (۰/۸۸۹) و همچنین معیار برنامه‌های مشارکتی به همراه حفظ میراث فرهنگی با اولویت ۰/۸۸۹ و کم‌اهمیت‌ترین نقش دهیاری‌ها در این روستاها، تشویق به سرمایه‌گذاری با امتیاز ۰/۰۴۱ دیده می‌شود. بارزترین نقش دهیاری در توسعه پایدار در روستاهای گروه چهارم معیار منابع انسانی و در این معیار میزان تحصیلات و تخصص نیروی انسانی فعال در دهیاری با اهمیت (۰/۸۸۹) و همچنین معیار اصلی اقتصادی میزان جذب سرمایه با وزن (۰/۰۴۱) کم‌اهمیت‌ترین شاخص اهمیت دهیاری در این روستاها است؛ و مهم‌ترین عامل وجود دهیاری مرتبط با توسعه پایدار در روستاهای گروه پنجم معیار منابع انسانی و در این معیار میزان تحصیلات و تخصص نیروی انسانی فعال در دهیاری‌ها اهمیت (۰/۹۰۰) و همچنین معیار اصلی اقتصادی افزایش درآمد روستاییان با وزن (۰/۰۴۲) کم‌اهمیت‌ترین شاخص برای وجود دهیاری در این روستاها دیده می‌شود. بنابراین، عوامل مهم تأثیرگذار معیارهای دهیاری روستایی مرتبط با ابعاد توسعه پایدار در منطقه اسلامشهر است وجود نیروی متخصص، ابعاد اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و زیرساختی است.

با توجه به نتایج مقایسه در پنج گروه روستاهای مورد مطالعه، عامل تحصیلات و تخصص نیروی انسانی فعال در دهیاری‌ها یکی از فاکتورهای مؤثر در توسعه مناطق روستایی مورد مطالعه است. از آنجایی که بالا رفتن سواد و تحصیلات در دهیاری‌ها سبب کاهش هزینه‌های جانبی خواهد شد، نمایانگر آن است که هرچه میزان تخصص دهیاران افزایش یابد به همان نسبت سبب بالا رفتن آموزش‌های روستاییان خواهد شد. نتایج مطالعه نشان می‌دهد برای تحقق و عملیاتی کردن حق توسعه‌یافتگی و زندگی شرافتمندانه در چارچوب چشم‌انداز روستایی، لزوم توجه به سازوکارهای نهادی از جمله بازنگری در اندیشه‌ها، شیوه‌های برنامه‌ریزی، قوانین، رویه‌ها، سبک‌ها و شیوه مدیریت و حکمرانی و تأکید بر ایجاد و تقویت نهادهای بومی، محلی و مدنی از طریق خوشه‌ای و شبکه‌ای کردن آن‌ها ضرورت دارد.

Persian references

- Eftekhari, Abdolreza and Hamdollah Sajasy Ghidari and Jamshid Einali (2007), A New Attitude to Rural Management with Emphasis on Effective Institutions, Quarterly Journal of Village and Development, Vol. 10, No. 2, Summer.
- Azkiya, Mostafa and Gholamreza Ghaffari (2005), Development Sociology, Kayhan Publishing House, Tehran
- Amanpour, Saed and Sadegh Mokhtari Chalkhuleh and Seyyed Reza Hosseini Kahnouj and Inspirational Wisii (2014), Spatial Analysis and Rural Development Development (Case Study: Chaharmahal and Bakhtiari Province), Journal of Rural Planning and Research, Year 4, Number 3
- Behzad Nasab, Zanali (2004), Local Integrated Development A Strategic Approach to Rural Development, Rural Congress Articles, Challenges and Perspectives, Institute for Management and Planning Education and Research, Office for the Compilation and Dissemination of Management and Planning Resources
- Pour Ahmad, Ahmad and Frank Sayfuddini and Ziba Pernoun (2011), Migration and land use change in Islamshahr. Geographic Survey of Arid Regions, No. 5
- Pezhdeisi, Ahmad, Farshad Sourì and Alexander Sidayee and Zeynab Kazemi (2011). An Investigation and Analysis of the Performance of Dehers in Rural Management. Case Study: Kunani Section of Kohdasht Township, Urban Management, Autumn and Winter.
- Dehghani, Masoud and Maryam Salehi (2013), Measuring the Developmental Levels of Hamedan Province's Cities (Emphasizing the Regional Approach), Journal of Regional Planning, Third Year, No.
- Tavasoli, Gholam Abbas (1994), Comprehensive Development Concept, Proceedings of the Seminar on Developmental Sociology, Volume II, Publications.
- Jafarinejad, Masoud and Samad Kalantari and Masoud Montazeri (2010), The study of the status of dehayirs as intermediary institutions between the government and the people (studied in the villages of Najafabad city), The Political and International Researches of Islamic Azad University, Shahreza Unit, No. 5, Spring.

- Hosseinzadeh Dalir Karim and Farzaneh Sasanpour (2006), Ecological (ecological) ecological method in the stability of metropolises with attitude towards Tehran metropolis, geographic research
- Hosseini Abri, Seyed Hassan (2001), Entrance to the Rural Geography of Iran, Isfahan University Press, First Edition.
- Rezvani, Mohammad Reza (2004), Introduction to Rural Development Planning in Iran, Gomes, Tehran.
- Rezvani, Mohammad Reza, Somayeh Mohammadi and Sedigheh Pirri (1392), Evaluation of Dehayari's Performance Using the CAF Evaluation Framework for the Framework of the CAF Case Study: Dehloran County, Human Geography Research, Volume 45, Issue 1.
- Sheikhi, Hojjat and Taher Parizadi and Bijan Vermisjar (2013), Evaluation and Evaluation of the Performance of Dehayers in the Process of Rural Management and Development, Spatial Planning of Geography, Third Year, No. 3. Isfahan.
- Salehi, Ismail and Farzam Poursghar Sangachin and Morteza Dinarwandi (2013), Comparison of Regional Sustainable Development Measurement Methods Using Combined Indicators (Case Study: Provinces of Iran), Environmental Researches, Year 4, Issue 9.
- Talib, Mehdi (1376), Rural Management in Iran, Publisher of Tehran University.
- Firoozabadi, Seyyed Ahmad and Hossein Imani Jajarmi (2012), The satisfaction of villagers and their related factors in the performance of dachyars (Case study: villages of Qazvin province), Rural Studies, Third Year, No 1, Spring.
- Karimi, Farzad and Mostafa Ahmadvand (1393), Modeling the Developmental Levels of Rural Areas in the Central District of Boyer Ahmad, Applied Geosciences Research
- Hashemi, Seyed Saeed and Seyyed Hossein Motiee Langroudi and Mojtaba Ghadiri Masooms and Mohammad Reza Rezvani and Seyyed Mohammad Moghimi (2011), Explaining the role of Dehariyah and Islamic Councils in the Development of Entrepreneurship, Rural Studies, Vol. 2, No. 1,
- Deputy of Dehariyah Affairs (Plan and Plan Office) (2004), Collection of Laws and Regulations of Dehayari, First Edition, Tehran, Publications of the Organization of Municipalities and Dignitaries of the country.
- Molaei Hashjin, N. and Ali Reza knowledge of cleaning and Akbar Mo'tamedi M. (1395), comparative urban development Rasht using multi-attribute assessment, planning of human settlements, the eleventh year, No. 42.
- Nazmfar, H. (1396), analysis of rural development and how the municipalities of the province of West Azerbaijan, economy of space and Rural Development
- Latin references**
- Tirado, D. A., Díez-Minguela, A., & Martínez-Galarraga, J. (2016). Regional inequality and economic development in Spain, 1860–2010. *Journal of Historical Geography*, 54, 87-98
- Qiu, Q., Sung, J., Davis, W., & Tchernis, R. (2017). Using spatial factor analysis to measure human development. *Journal of Development Economics*
- Szopik-Depczyńska, K., Cheba, K., Bąk, I., Kiba-Janiak, M., Saniuk, S., Dembińska, I. & Ioppolo, G. (2017). The application of relative taxonomy to the study of disproportions in the area of sustainable development of the European Union. *Land Use Policy*, 68, 481-491
- Purohit, B. C., (2008), Health and human development at sub-state level in India, *The Journal of Socio-Economics*, No. 37, pp. 2248–2260. 124.
- Matsumoto, M., (2008), Redistribution and regional development under tax competition, *Journal of Urban Economics*, No. 64, pp. 480–487.
- Dadvar Khani, Zare.Z, Farhadi, S, M, Salmani,M, 2011, Good governance for rural poverty reduction strategy, *Quarterly Journal of human Geography*, 3(4)
- Amoli Azimi, J, 2011, Analysis of good governance in the rural areas of the Mazandaran Province, Tehran,, Tarbiat Modarres university
- Fazli Rahmani, A, Sadeqi, M, Alipoorian, J, 2015, Theoretical basis of good governance in the modern rural management, *Urban management*, 37,
- Nasiri, E, 2010, Evaluation OF the impact on system performance dehayaris rural governance in Zanjan province, Tehran, 18-19 May
- <http://mbot.ir>